



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۸ اسفند ۱۳۸۸

موضوع کلی: تقسیمات حکم شرعی

مصادف: ۱۲ ربیع الاول ۱۴۳۱

موضوع جزئی: مقام دوم: حکم وضعی / مصادیق حکم وضعی

جلسه: ۶۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### کیفیت جعل طهارت و نجاست:

بحث در کیفیت جعل بعضی از مصادیق حکم وضعی بود که آیا اساساً مجعول هستند یا نه و اگر مجعول هستند کیفیت جعل این‌ها به چه صورتی است؟ نوبت بحث از طهارت و نجاست است، مرحوم آقای آخوند در کفایه صریحاً راجع به مسئله طهارت و نجاست اظهار نظر فرموده‌اند، که آیا این را جزء قسم سوم و در عداد ملکیت و زوجیت قرار می‌دهند یا نه؟ اما از فرمایشات ایشان استفاده می‌شود و با عنایت به توضیحاتی که بعضاً توسط شراح داده شده استفاده می‌شود، مسئله طهارت و نجاست از قبیل قسم سوم است.

در مسئله طهارت و نجاست سه نظریه را بیان می‌کنیم که عبارتند از نظریه مرحوم شیخ، نظریه مرحوم محقق نائینی و همچنین نظریه مرحوم محقق عراقی.

### نظر مرحوم شیخ انصاری:

مرحوم شیخ انصاری معتقد است که طهارت و نجاست از امور واقعیه می‌باشند، با نظر شیخ آشنا هستید که ایشان احکام وضعیه را منتزع از احکام تکلیفیه می‌دانند و می‌فرماید ید جعل شرعی به احکام وضعیه متعلق نمی‌شود، ایشان به طور کلی فرمودند احکام وضعیه از احکام تکلیفیه انتزاع می‌شوند، لکن بعضی از امور هستند که این‌ها نه تنها منتزع از حکم تکلیفی نیستند بلکه امر واقعی محسوب می‌شوند که طهارت و نجاست از این قبیل است. ایشان ملکیت و زوجیت را از قبیل حکم وضعی منتزع از حکم تکلیفی می‌داند اما طهارت و نجاست را به عنوان یک امر واقعی مطرح می‌کنند، همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید ایشان بین ملکیت و زوجیت با طهارت و نجاست فرق گذاشته‌اند، یکی را به عنوان حکم وضعی و دیگری را به عنوان یک امر واقعی معرفی کرده‌اند.

### نظر مرحوم محقق نائینی:

در مقابل مرحوم محقق نائینی ضمن اشکال به کلام شیخ انصاری (ره) ادعا می‌کنند که اساساً طهارت و نجاست هیچ فرقی با ملکیت و زوجیت ندارد و هر دو از جمله‌ی احکام وضعیه محسوب می‌شوند. ایشان می‌فرماید کاش مرادشان مرحوم شیخ را توضیح می‌دادند یعنی مراد شیخ خیلی واضح و روشن نیست، اگر منظور این است که شارع وقتی به طهارت و نجاست بعضی از اشیاء حکم می‌کند بدین جهت است که طاهر مشتمل بر نظافت معنوی و نجس مشتمل بر قذارت معنوی است، اگر این منظور باشد این اختصاصی به باب طهارت و نجاست ندارد بلکه همه موضوعات و متعلقات احکام شرعیه مشتمل بر یک خصوصیت واقعیه‌ای هستند که شارع بر طبق آن‌ها حکم کرده است.

پس اگر منظور از طهارت و نجاست، نظافت و قذارت معنوی است، یعنی این نظافت و قذارت معنوی قابل حسّ نیست نه دیدنی است و نه به وسیله‌ی یکی از حواس محسوس است، بلکه وقتی می‌گوییم این شیء نجس است یعنی یک خصوصیتی در آن هست که به واسطه‌ی آن خصوصیت معنویه و ناپاکی و زشتی معنوی که در بطن او وجود دارد، شارع حکم به نجاست او کرده، اگر این مراد باشد پس در حقیقت مثل این است که گفته میشود احکام شرعیه تابع مصالح و مفاسد واقعیه است، یعنی هر حکمی که شارع می‌کند این حکم شارع برخاسته از یک جهت واقعی است که در آن شیء است، ما اینگونه اعتقاد داریم که چون یک مفسده‌ای در آن وجود دارد شارع حکم به وجوب اجتناب کرده یا چون یک مصلحتی در آن وجود دارد شارع حکم به وجوب یا استحباب کرده است، اگر این مراد باشد این چه فرقی با سایر موارد دارد و در همه‌ی موارد این گونه است.

اگر منظور این است که اصل طهارت و نجاست از امور خارجی و واقعیه است، این هم قابل قبول نیست، خود طهارت و نجاست یک امری نیست که در واقع و در عالم خارج وجود داشته باشد و ما نمی‌توانیم این مطلب را بپذیریم که طهارت و نجاست در عداد واقعیات موجود در عالم خارج قرار گیرد. پس هر دو احتمال اثبات واقعی بودن طهارت و نجاست را نمی‌کند.

ایشان در ادامه می‌فرمایند: این‌ها از اعتبارات عرفیه به حساب می‌آیند. شاهد بر این که این دو از امور اعتباریه عرفیه محسوب می‌شوند این است که بعضی از امور در نزد عرف قدر هستند و بعضی از امور در نزد عرف اینچنین نیستند، به عبارت دیگر بعضی از اوقات عرف نسبت به بعضی از چیزها استقذار دارد و نسبت به بعضی از امور دیگر استقذار ندارد و نهایتاً گاهی شارع دخالت کرده و بعضی از مصادیق را به قدر عرفی اضافه کرده مثل نجاست خمر، خمر در نزد عرف قذارت ندارد اما شارع این را اضافه کرده به آن چه که در نزد عرف به عنوان یک قدر به حساب می‌آید.

بعد مرحوم محقق نائینی می‌فرماید: ما در طهارت و نجاست سه چیز داریم، یکی مفهوم طهارت و نجاست؛ که این مفهوم مثل سایر مفاهیم عرفیه و اعتبارات عقلاییه، یک مفهوم عرفی به حساب می‌آید مثل ملکیت و زوجیت، ملکیت و زوجیت در نزد عرف یک اعتبار عقلایی است، طهارت و نجاست نیز همین گونه است.

شیء دوم در این جا عبارت است از معروض طهارت و نجاست؛ منظور از معروض طهارت و نجاست یعنی همان مصداقی که مفهوم بر او منطبق می‌شود مثل مصادیق ملکیت و زوجیت منتهی تطبیق مفهوم بر مصداق را گاهی عرف درک می‌کند و گاهی به جهت عدم احاطه درک نمی‌کند، که آنجا باید شارع به کمک او بیاید، معروض طهارت و نجاست عبارت است از آن اشیائی که متصّف به این وصف می‌شوند مثلاً می‌گوییم مؤمن طاهر است کافر نجس است، این‌ها معروض طهارت و نجاستند، منتهی این از آن مصادیقی است که عرف به خاطر عدم احاطه نمی‌تواند مفهوم طهارت و نجاست را منطبق بر آن کند و الا از نظر عرفی مفهوم کاملاً روشنی دارد مشکل در منطبق کردن آن مفهوم بر این مصداق است.

امر سوم عبارت است از حکم شارع به جواز استعمال طاهر و حرمت استعمال نجس و این دقیقاً مثل حکم شارع به حرمت تصرف در مال غیر است یا حرمت اکل مال بباطل؛ به نظر محقق نائینی در این سه جهت هیچ فرقی بین ملکیت و

زوجیت با طهارت و نجاست نیست، یعنی ما سه چیز داریم، یکی مفهوم است، دیگری مصداق است، و سومی حکم شارع است که از این سه جهت هیچ فرقی بین طهارت و نجاست با زوجیت و ملکیت نیست.  
نتیجه:

لذا مرحوم محقق نائینی نتیجه می‌گیرد که طهارت و نجاست از احکام وضعیه است نه از امور واقعیه و تصریح فرمودند به این که بین ملکیت و زوجیت با طهارت و نجاست فرقی نیست. مرحوم نائینی درست نقطه مقابل شیخ (ره) چنین ادعایی را مطرح می‌کند، پس ایشان ضمن این که به فرمایش شیخ اشکال می‌کند که اصلاً واقعی بودن طهارت و نجاست معنا ندارد، ادعا می‌کند که این‌ها از امور وضعیه و مجعول هستند.<sup>۱</sup>

### سوال: ...

**استاد:** این تاییدی برای نظر مرحوم شیخ است و بعداً باید این انظار سه گانه را مورد بررسی قرار دهیم اما واقعاً آیا این که شارع در مواردی احکام مختلف ذکر کرده است مثلاً کیفیت تطهیر بعضی از امور نجسه را به یک شکلی فرموده، کیفیت تطهیر بعضی دیگر را به شکل دیگر، اگر از این کیفیت تطهیر بخواهید نتیجه بگیرید که طهارت و نجاست واقعی است یعنی چیزی در ذات این اشیاء هست که شارع چنین حکمی را کرده است، خوب این جا در مورد قدرهای عرفی و قدرهای غیر محسوس، آیا به نظر شما از دید عرف تفاوتی نمی‌کند؟ مثلاً عذره را با خمر مقایسه کنید، از دید عرف این‌ها یک خصوصیت دارند؟ یک ویژگی دارند؟

**سؤال:** این می‌تواند از این طرف موید باشد، بالاخره شارع باید ملاک نجاست آنها را هم بیان کند؟

**استاد:** بله، اما لازم نیست آنها را بدانیم. یعنی لازم نیست آنها را کشف کنیم و در حقیقت قدرت بر کشف این ملاکات نداریم، مگر در جاهایی که راهنمایی به این ملاکات و مناطات شود.

به این نکته توجه داشته باشید که بحث از کیفیت جعل طهارت و نجاست ضمن این که بحث علمی هست، ثمره عملی هم دارد چنان چه سابقاً هم اشاره کردیم، یعنی یک بحث علمی صرف نیست، ثمره‌ی عملی هم برای آن مترتب است از جمله در بحث استصحاب.

### نظر مرحوم محقق عراقی:

ایشان در واقع در فرمایش شیخ تفصیل می‌دهند و فرمایش مرحوم شیخ را نسبت به پاکی و ناپاکی عرفی که محسوس است می‌پذیرند، یعنی گویا طهارت و نجاست بر دو قسم است گاهی طهارت و نجاست به اموری است که از دید عرف پاکی و ناپاکی آنها محسوس است از جمله عذره یا خون در بعضی از ازمه، ایشان می‌فرماید اگر نسبت به طهارت و نجاست عرفیه نگاه کنیم حق با شیخ است و این‌ها از امور واقعی هستند و اتفاقاً ایشان می‌گویند وقتی عرف و عقلاء نسبت به بعضی از اشیاء استقذار دارند و نسبت به بعضی از امور استقذار ندارند، دلیل بر این است که این‌ها امری واقعی هستند یعنی در بعضی از امور چیزی وجود دارد که عرف حالت انزجار پیدا می‌کند و در بعضی از امور این نیست مثلاً نسبت به آب، خاک، درخت، میوه و امثال این‌ها عرف این حالت را ندارد که خود این نشان دهنده این است که نظافت و قذارت از امور واقعیه هستند.

<sup>۱</sup>. فوائد الاصول، ج ۴، ۴۰۱، ۴۰۲.

همانطوری که ملاحظه می‌فرمایید یک امر را هم مرحوم محقق نائینی شاهد بر مدعای خود گرفته است و هم مرحوم محقق عراقی، محقق نائینی تقریباً همین نکته را شاهد گرفتند بر این که این‌ها از امور اعتباریه عرفیه هستند، اما مرحوم محقق عراقی می‌گویند این شاهد بر این است که از امور واقعیه هستند.

مرحوم محقق عراقی می‌فرماید: بحث ما در اموری است که یک جهت محسوس عرفی در آن‌ها نیست مثل خمر، مثل کافر که نه انسان کافر یک جهت قذارت محسوس قابل مشاهده و حس دارد و نه خمر، چه بسا ظاهر خمر و ظاهر انسان کافر هم پاک و طاهر باشد، لذا یک جهت محسوس عرفی در این‌ها نیست، اما این‌ها از دید شرع قذارت دارند، مرحوم محقق عراقی در این قسم دوم از امور که می‌فرماید اساساً محل بحث ما اینجاست یعنی آن چیزهایی که از دید شرع قذارت دارند ولی از دید عرف ندارد ایشان نسبت به این موارد ابتدائاً دو احتمال می‌دهند: احتمال اول این است که این امور هم از امور واقعیه خارجیه هستند یعنی طهارت و نجاست این قسم از امور مثل نجاست کافر، نجاست خمر از امور واقعیه‌ای هستند که شارع با حکم و جوب اجتناب از آن‌ها، کشف از قذارت آن‌ها کرده، یعنی ما قذارت آن‌ها را نمی‌توانیم درک کنیم و با دستور شارع به اجتناب، قذارت آن‌ها را می‌فهمیم و از این امر به اجتناب از ناحیه‌ی شارع کشف قذارت می‌کنیم و قذارت این‌ها یک قذارت واقعی است.

احتمال دوم این است که: طهارت و نجاست این امور از اعتبارات جعلیه است، وقتی می‌گوییم از اعتبارات جعلیه یعنی این که شارع همان طوری که ملکیت را عقیب بیع اعتبار کرده -چه به نحو جعل سببیت چه به نحو جعل مسبب عقیب سبب بنا بر اختلافی که در این بحث وجود دارد- این جا هم گویا شارع فرموده جعلت الکافر نجسا، این هیچ ارتباطی با واقعیت انسان کافر ندارد یعنی در انسان کافر خصوصیت و ناپاکی معنوی نیست که به خاطر آن گفته شده باشد نجس است، بلکه شارع به جهت مصالحی حکم به اجتناب از کافر کرده است مصالحی مثل اینکه خداوند خواسته باشد کافران در تنگنا قرار بگیرند یا خواسته یک وقت در اثر اختلاط با کفار، افکار و عقاید جامعه‌ی اسلامی تحت تأثیر آن‌ها قرار نگیرد- اینها احتمالاتی است که بر اساس آن خداوند شاید نجاست کافر را وضع کرده باشد.

حال اگر احتمال اول را بپذیریم، طبیعتاً بین نظر محقق عراقی با شیخ هیچ فرقی نمی‌کند، چون در این احتمال محقق عراقی نهایتاً فرمودند که طهارت و نجاست از امور واقعی است.

اما اگر احتمال دوم را بپذیریم طبیعتاً بین نظر شیخ و محقق عراقی تفاوت ایجاد می‌شود، محقق عراقی از بین این دو احتمال می‌فرماید احتمال دوم بر احتمال اول رجحان دارد، منتهی برای ترجیح این احتمال نسبت به احتمال دیگر دلیل محکم قابل اتکائی ارائه نمی‌کند و فقط توضیحی می‌دهند که اگر ما می‌گوییم این‌ها از امور جعلیه هستند، مراد جعل حقیقی نیست بلکه ادعاء و تنزیل است، یعنی شارع ادعاً این اموری را که در نظر عرف طاهر و پاک است قدر و ناپاک قرار می‌دهد، به عبارت دیگر تنزیل می‌کند این امور پاک در نزد عرف را منزله اموری که ناپاکند،

مراد از جعل بر طبق نظر محقق عراقی جعل حقیقی نیست مراد از جعل ادعاء است و منظور این است شارع ادعائاً این را آن قرار می‌دهد، ادعائاً یک امری که عرفاً طاهر است نجس قرار می‌دهد، این طبعاً به جهت ملاک و مناطی است که در آن شیء بوده و این ملاک و مناط مصحح این ادعا و تنزیل است و الا بدون جهت که نمی‌تواند شارع یک چیزی را نازل منزله چیز دیگری قرار دهد بلکه به خاطر ملاک و مصلحتی است که در آن هست.

مرحوم محقق عراقی در ادامه می‌فرماید اگر عرف احاطه داشت و این ملاک و مناط را می‌فهمید حتماً مثل عذره که آثار قذارت و نجاست را بر او مترتب می‌کرد اینجا هم آن آثار را قطعاً مترتب می‌کرد و این که عرف این آثار را مترتب نمی‌کند برای این است که احاطه ندارد و آن ملاکات را نمی‌تواند درک کند.

نتیجه

لذا نتیجه فرمایش محقق عراقی این است که علی‌کلّ تقدیراً طهارت و نجاست از احکام وضعیه نیست و وقتی می‌گوییم از احکام وضعیه نیست دیگر جای این نزاع که آیا از یک حکم تکلیفی انتزاع شده تا مجعول تبعی باشد یا این که مجعول استقلالی باشد وجود ندارد، چون طهارت و نجاست یا از امور واقعیه است یا از امور ادعائیه، اگر از امور واقعیه باشد طبیعتاً دیگر به عنوان حکم وضعی و مجعول به حساب نمی‌آید و ارتباطی با جعل ندارد، اگر هم از امور ادعائیه باشد جعل حقیقی در او راه ندارد بلکه جعل به معنای ادعا و تنزیل به او متعلق می‌شود.

### فرق نظر سوم با نظر اول و دوم

پس در حقیقت محقق عراقی نه مثل مرحوم شیخ طهارت و نجاست را به نحو مطلق از امور واقعیه محسوب کرد و نه مثل محقق نائینی طهارت و نجاست را به نحو مطلق از امور وضعیه و از احکام وضعیه به حساب آورد در واقع نظر محقق عراقی یک حدّ وسط بین نظر مرحوم شیخ انصاری ست و مرحوم محقق نائینی است.<sup>۱</sup>

### خلاصه سه نظر:

به طور کلی سه دیدگاه در باب کیفیت جعل-البته نه اینکه جعلی بودن آن مسلم باشد- طهارت و نجاست وجود دارد که نظر مرحوم شیخ انصاری این شد که مطلقاً این‌ها از امور واقعیه هستند، محقق نائینی فرمودند طهارت مطلقاً از احکام وضعیه محسوب می‌شود مثل ملکیت و زوجیت و محقق عراقی هم در واقع بین طهارت و نجاست محسوس عرفی با طهارت و نجاستی که عرف آن را حس نمی‌کند، فرق گذاشت، در مورد طهارت و نجاست محسوس عرفی فرمود حق با شیخ انصاری (ره) است و این‌ها از امور واقعیه هستند اما انما الکلام در طهارت و نجاستی که عرف آن را حس نمی‌کند، عرف نظافت و قذارت آن را درک نمی‌کند مثل نجاست خمر و کافر، در این مورد است که ایشان فرمودند این‌ها مجعولند، اما نه جعل حقیقی بلکه جعل به معنای ادعاء و تنزیل.

### بحث جلسه آینده: بررسی این سه نظر

<sup>۱</sup>. نهاية الافکار، ج ۴، ۹۸ و ۹۹